

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# شتر

**چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۵**
**۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸**
**۱۷ اکتبر ۲۰۲۶**
• سال بیست‌وسوم
• شماره ۵۴۹۴
• صفحه ۶۰۵
**اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲**
**اذان مغرب ۱۷:۵۸**
**اذان صبح فردا ۴:۴۱**
• طلوع آفتاب ۶:۰۵

#### علم‌خوانی

#### برنده نوبل فیزیک معرفی شد

جایزه نوبل فیزیک سال ۲۰۲۶ به «فرانسیس

هالزن» به پاس تلاش هایش برای دریافت آنچه

«پیام‌های شبح‌وار از فضا» نامیده شد، اهدا شد. این جایزه

به پاس مشارکت‌های تعیین‌کننده این دانشمند بلژیکی

۸۱ساله در رصدخانه نوترینوی «آیس‌کیوب» (IceCube)

در جنوب‌گان و کشف «نوترینوهای پرنانرژی با منشأ

اخترفیزیکي» اهدا شد. او اکنون در دانشگاه ویسکانسین

مدیسون فعالیت دارد. فرانسیس هالزن پایه‌های نوع کاملاً

جدیدی از اخترشناسی را بنا کرد. ایده او استفاده از یخ

یخچال‌های طبیعی در قطب جنوب برای شکار ذرات

مرموزی به نام «نوترینو» بود. حاصل این ایده، «رصدخانه

نوترینوی آیس‌کیوب» بود که می‌تواند نوترینوهای برخاسته

از اعماق دوردست کیهان را ردیابی کند. سازه‌ای متشکل از

«یک کیلومتر مکعب یخ» که به حسگرهای نوری مجهز

شده است. این رصدخانه از سال ۲۰۱۰ فعالیت خود را آغاز

کرده و هالزن پژوهشگر اصلی آن است. البته کشف او

مربوط به سال ۱۹۸۸ است و پس از این کشف بود که

پژوهشگران با استفاده از «آیس‌کیوب» توانستند

نوترینوهایی را که حاصل فرایندهای فوق‌العاده پرنانرژی در

کیهان دوردست هستند، شکار کنند. نوترینوها همه‌جا

حضور دارند، اما خود را آشکار نمی‌کنند. آنها بدون آنکه

متوجه شویم، از میان زمین و بدن ما عبور می‌کنند. فقط در

موارد بسیار نادر، یک نوترینو با هسته اتم برهم‌کنش

می‌کند و همین امر امکان شناسایی آنها را برای کسانی که

تجهیزات مناسب در اختیار دارند، فراهم می‌کند. به گزارش

سایت جایزه نوبل نجوم نوترینو در مقیاس کوچک در دهه

۱۹۶۰ آغاز شد، زمانی که ریموند دیویس جونیور نوترینوها

را از خورشید مشاهده کرد. این

موضوع توسط تیم تحقیقاتی در رصدخانه نوترینوی کامیوکانده در ژاپن، به رهبری ماساتوشی کوشیبا تأیید شد، زیرا آنها توانستند مسیر نوترینوها را تعیین کرده و منشأ آنها را ردیابی کنند. ریموند دیویس جونیور و ماساتوشی کوشیبا به خاطر این پیشرفت‌ها، جایزه نوبل فیزیک ۲۰۰۲ را دریافت کردند. یک مشکل باقی‌مانده بود که تعداد نوترینوهای جذب‌شده، یک‌سوم تعداد پیش‌بینی‌شده در محاسبات واکنش‌هایی بود که باید در خورشید رخ دهند. دلیل این امر مربوط به وجود سه نوع نوترینو بود. ماهیت تغییرپذیر نوترینوها از طریق آزمایش‌هایی در ژاپن و کانادا آشکار و جایزه نوبل فیزیک ۲۰۱۵ به تاکاکی کاجیتا و آرتور بی. مک‌دونالد برای این کشف اهدا شد. اکنون نیز هالزن برای دریافت بیشتر از این پدیده و تأثیراتش جایزه فیزیک اسمال را دریافت کرد. «فرانسیس هالزن» نخستین بار در سال ۱۹۸۸ طرح و پیشن خود را برای شکار نوترینوها در قطب جنوب ارائه کرد. هنگامی که یک نوترینو با هسته اتم برخورد می‌کند، جرقه‌ای از نور ایجاد می‌شود که حسگرهای موجود در یخ‌های شفاف یخچال‌های طبیعی قادر به ردیابی آن هستند. یخ‌های قطب جنوب مزایای بسیاری دارند، چراکه عاری از انواع داخل‌ها بوده و این منطقه از نظر زمین‌شناختی پایدار است و زلزله‌ای در آن رخ نمی‌دهد.

#### پیشخوان

#### شماره جدید نشریه نیم‌روز منتشر شد



شماره ۸۸ و ۸۹ نشریه «نیم‌روز» هم‌زمان با روز بزرگداشت تهران منتشر شده است. تازه‌ترین شماره هفته‌نامه «نیم‌روز» میزان یادداشت‌ها و گفتارهایی از محمداسماعیل اسمعیلی جلودار، حمید

امان‌اللهی، حسین امین‌افشار، سیما حدادی، محمدجواد حق‌شناس، امیر خانی‌فیجانی، روح‌الله رحمانی، مرتضی رحیم‌نواز، علی طلوعی، مهدی عسکری، علی قمی‌اوبلی، انوشیروان محسنی‌نبدی، احسان محمدحسینی، امید موسوی‌راد، محمدصادق معتمدیان، نجیبه موسوی حصار، ندا مهیار، جبرئیل نوکنده، زینب نیک‌نفس‌کنونی، آزاده نیکونئی، حمید وکیل‌باشی، علی هژبری و عبدالمهدی همت‌پور است. این شماره به مناسبت فرارسیدن هفته بزرگداشت تهران، به واکوی هویت تاریخی و مؤلفه‌های بنیادین این کلانشهر اختصاص یافته است. همچنین در پرونده ویژه‌ای به روایت باغ لاله‌زار از را دیدپاشی از زوال و نشانه‌های شاخص جغرافیایی این عرصه تاریخی، پرداخته است. صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این نشریه محمدجواد حق‌شناس است.

ممکن است یک جامعه قانون داشته باشد، دادگاه داشته باشد، وکیل

داشته باشد، حق در کتاب‌های حقوقی تعریف شده باشد و حتی قاضی خود

را موظف به اجرای قانون بداند، اما شهروند همچنان احساس کند عدالت

از او دور است. این تناقض از کجا می‌آید؟ آیا مشکل در قانون است، در

اجرای قانون، در ساختار اجتماعی یا در مناسبات قدرتی که پشت قانون

ایستاده‌اند؟ مقایسه دو چهره متفاوت از تفکر ایرانی، دکتر ناصر کاتوزیان

و دکتر منوچهر آشتیانی، می‌تواند راهی برای نزدیک‌شدن به پاسخ این

پرسش باشد. کاتوزیان از درون حقوق به این مسئله می‌نگرد، اما آشتیانی،

نه به‌عنوان فیلسوف حقوق بلکه از منظر جامعه‌شناسی شناخت، تاریخ و

سنت مارکسیستی، از بیرون به آن نزدیک می‌شود. همین تفاوت، اتفاقاً نقطه

قوت این مقایسه است. یکی می‌پرسد «حقوق چگونه باید به عدالت نزدیک

شود؟» و دیگری ما را وادار می‌کند بپرسیم «چه جامعه و چه مناسبات

قدرتی تعیین می‌کنند که چه چیزی قانون و حق نامیده شود؟». کاتوزیان را

نمی‌توان صرفاً حقوق‌دانی دانست که قانون را می‌خواند و اجرا می‌کند.

در فلسفه حقوق او، عدالت جایگاهی جدی دارد. او میان حکومت قانون

و «ستایش قانون» تفاوت می‌گذارد. حکومت قانون برای او ضروری

است برای مهار خودسری، ایجاد نظم و برابری؛ اما همین قانون اگر به

معیار نهایی خیر و شر تبدیل شود، می‌تواند به ابزار قدرت بدل شود. به

تعبیر خود او، ستایش قانون نباید میان «قدرت» و «ارزش» را از میان

ببرد؛ زیرا قانونی که ناعادلانه است، صرفاً به دلیل قانونی بودن، عادلانه

نمی‌شود. این نگاه، کاتوزیان را از صورت‌گرایی خشک حقوقی جدا می‌کند.

برای او حقوق‌دان نمی‌تواند بگوید «قانون همین است و من فقط آن را



برای بسیاری از کودکان، رفتن به مدرسه آغاز یک روز معمولی است؛ اما برای دانش‌آموزان دارای معلولیت، همین مسیر می‌تواند پر از مانع باشد. از سوارشدن به ون و عبور از خیابان‌های نامناسب تا ورود به مدرسه و کلاس درس؛ با وجود همه این سختی‌ها و مشکلات، این دانش‌آموزان با کمک خانواده‌هایشان به مدرسه می‌روند و تلاش می‌کنند این محدودیت‌ها را بشکنند.

عکس: محمدرضا بلندی، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

## نمی‌توان عدالت را به سلیقه شخصی تقلیل داد

#### کاتوزیان و آشتیانی؛ دوره‌ای برای فهم حقوق

#### حسن خلیل خلیلی

وکیل پایه‌یک دادگستری

اجرا می‌کنم». در عین حال نمی‌تواند عدالت را نیز به سلیقه شخصی خود تبدیل کند. عدالت باید از مسیر منطق حقوق، تفسیر، اصول حقوقی و منابع معتبر حقوقی دنبال شود. کاتوزیان در گفت‌وگویی دقیقاً همین مز را ترسیم می‌کند: عدالت حقوق‌دان با عدالت فیلسوف یا جامعه‌شناس یکی نیست؛ حقوق‌دان باید درون نظام حقوقی، راهی برای نزدیک‌شدن به عدالت پیدا کند. اما آشتیانی پرسش دیگری را روی میز می‌گذارد. او از جنس متفکرانی است که به متن قانون اکتفا نمی‌کنند و می‌پرسند پشت این متن، چه تاریخ و چه ساختاری قرار دارد؟ آثار او دربارهٔ مارکس، وبر، مانهایم و شلر عمدتاً در قلمرو جامعه‌شناسی شناخت قرار می‌گیرد؛ یعنی دانشی که می‌خواهد نسبت میان اندیشه و شرایط اجتماعی و تاریخی تولید آن را بفهمد. در خوانش آشتیانی از مارکس، مناسبات تولید و مالکیت در فهم جامعه جایگاه مهمی دارند و او حتی وبر را نقد می‌کند که در برخی تحلیل‌ها، به جای رفتن به سراغ مناسبات تولید و مالکیت، بیش از اندازه به مناسبات اجتماعی و سیاسی حکومت توجه کرده است. از این منظر، حقوق دیگر فقط مجموعه‌ای از مواد قانونی نیست؛ قانون در یک جامعه مشخص، با تاریخ مشخص، طبقات اجتماعی مشخص و مناسبات قدرت مشخص شکل می‌گیرد. اینجاست که یک مثال ساده می‌تواند فاصله این دو نگاه را روشن کند. فرض کنیم قانون می‌گوید همه افراد در برابر قانون برابرند. کاتوزیان از این اصل دفاع می‌کند؛ زیرا برابری در برابر قانون یکی

#### تحلیل خوانی

## جابه‌جایی داخلی ایران در سال جنگ

#### سیدپیمان حقیقت‌طلب

کارشناس سیاست‌گذاری

**تغییر الگوی مهاجرت‌های داخلی در ایران**

بر اساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره مهاجرت‌های داخلی، از سال ۱۳۲۵ تا سال ۱۳۹۵، به‌طور متوسط سالانه حدود یک میلیون نفر در ایران از استان‌های کمترتوسعه‌یافته به استان‌های توسعه‌یافته و عمدتاً مرکزی مهاجرت کرده‌اند؛ الگویی که عمدتاً جوانان ۲۰ تا ۳۵ساله را در بر می‌گرفت و در آن مهاجرت از استان‌های مرزی به استان‌های مرکزی، به‌ویژه تهران، غالب بود (در بازه ۹۰ تا ۹۵، حدود ۲۵ درصد مهاجرت‌های داخلی مقصدشان تهران بود). این الگوی چنددهه‌ای که گزارش GRID هیچ اشاره‌ای به آن ندارد و صرفاً از منابع داخلی ایران قابل ردیابی است، گویا در سال گذشته به‌طور ناگهانی و در مقیاسی بی‌سابقه دگرگون شده است. برآورد مرکز پایش آوارگی داخلی نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۵، بر اثر حملات اسرائیل و آمریکا و جنگ کوتاه‌مدت اما پرشدت در ایران، حدود ۱۰ میلیون نفر در داخل کشور جابه‌جا شدند؛ رقمی که ایران را در صدر فهرست مهاجرت‌های جابه‌جایی داخلی ناشی از جنگ در سال ۲۰۲۵ قرار داده است. پیش از کشورهایی همچون کنگو، فلسطین، سودان و هائیتی، مقصد اصلی این جابه‌جایی، برخلاف الگوی چند دهه اخیر، دیگر مرکز کشور نبود؛ بلکه گزارش برآورد می‌کند مقصد عمده این مهاجرت‌ها، استان‌های شمالی بوده‌اند؛ مناطقی که کمتر درگیر جنگ شدند. به بیان دیگر، جهت مهاجرت به دهه‌ها از حاشیه به مرکز بود، در یک بزنگاه ناگهانی معکوس شد.

**سرنوشت آوارگان پس از جنگ**

با این حال، نکته‌ای که در گزارش GRID و در هیچ منبع رسمی دیگری نیامده و به باور نگارنده مهم‌تر از خود رقم ۱۰ میلیون است، سرنوشت این جمعیت پس از پایان جنگ است. گزارش هیچ داده‌ای درباره میزان بازگشت ارائه نمی‌دهد. پرسش اصلی این است: چه بخشی از این ۱۰ میلیون نفر به خانه‌های اصلی خود در تهران و مناطق دیگر بازگشته‌اند و چه بخشی (به‌ویژه اقشاری که توان مالی اسکان مجدد داشتند) در استان‌های شمالی ماندگار شده‌اند؟ اگر بخش درخور توجهی از این جابه‌جایی به سکونت دائم (رسوب) بدل شده باشد، این امر می‌تواند بافت جمعیتی، بازار مسکن و ساختار اشتغال در استان‌های شمالی را به‌گونه‌ای دگرگون کند که با هیچ‌یک از الگوهای مهاجرتی شناخته‌شده چند دهه اخیر ایران قابل مقایسه نیست.

اما چرا چنین داده‌ای در دسترس نیست؟ پاسخ به ضعف بنیادین‌تری در ساختار اداری کشور بازمی‌گردد: نبود سازوکاری برای ثبت لحظه‌ای جابه‌جایی جمعیت. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، بهره‌مندی از خدمات شهری منوط به ثبت‌نام فرد در شهرداری محل سکونت جدید است؛ ساکن جدید موظف است تغییر محل زندگی خود را اعلام کند و همین الزام اداری به‌طور خودکار داده‌ای پیوسته از الگوهای مهاجرت داخلی تولید می‌کند. در ایران، علی‌رغم تلاش‌های پراکنده در این زمینه، چنین فرایندی هنوز به‌طور کامل اجرایی نشده است. نتیجه این خلأ، غیبت آماری‌ای است که در بزنگاه‌های عادی شاید چندان محسوس نباشد، اما در رویدادی به مقیاس جنگ سال ۱۴۰۴ به یک نقطه کور خطرناک در سیاست‌گذاری تبدیل می‌شود. از این‌رو، سؤال محوری این نوشتار این نیست که صرفاً «چند نفر آواره شدند»، بلکه این است که اکنون، ماه‌ها پس از پایان جنگ، چند نفر از ۱۰ میلیون نفر هنوز در مبدأ اصلی خود ساکن نیستند و مادامی که ایران فاقد سازوکاری برای پاسخ به این پرسش است، هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه مسکن، اشتغال و خدمات شهری در مناطق مبدأ و مقصد این جابه‌جایی عظیم، بر پایه حدس بنا خواهد شد، نه داده.

**واکنش در آن سوی مرزا، سکوت در داخل**

نکته درخور تأمل این است که در حالی که خود ایران فاقد سازوکاری برای پایش این جابه‌جایی عظیم بوده است، سایر کشورها در همان روزهای نخست جنگ واکنشی سریع و مشخص نشان داده‌اند. بلافاصله پس از آغاز حملات اسرائیل و آمریکا به ایران در تیرماه ۱۴۰۴، یکی از نخستین اقدامات ترکیه تسریع ساخت دیوارهای مرزی با ایران بود؛ اقدامی با هدف پیشگیری از تبدیل‌شدن جابه‌جایی‌های داخلی ایران به جریان‌های پناه‌جویی به سوی خاک ترکیه. هم‌زمان، دولت استرالیا نیز تمام وزی‌های توریستی اتباع ایرانی را به‌طور ناگهانی لغو کرد. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که کشورهای دیگر، رقم جابه‌جایی داخلی ایران را نه یک آمار اتزاعی، بلکه هشداری واقعی و قابل اقدام تلقی کردند. واکنشی که دست‌کم تا این لحظه، هیچ نظیری در سیاست‌گذاری داخلی خود ایران نداشته است. این نرساد، پرسش نهایی این نوشتار را برجسته‌تر می‌کند: اگر همسایگان و کشورهای مقصد ایران به‌سرعت خود را برای پیامدهای بالقوه این جابه‌جایی عظیم آماده کرده‌اند، چرا نهادهای داخلی ایران که مستقیم‌ترین ذی‌نفع و مسئول این جمعیت آواره هستند، تاکنون سازوکار مشخصی برای شناسایی و پایش ارائه نداده‌اند؟

ماجرای افزایش میزان کالایرگ جزء موضوعات پربحث این روزهاست. قرار شده حداقل ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان به کالایرگ ۴۴ میلیون نفر اضافه شود. هنوز جزئیات کامل نحوه تقسیم و میزان افزایش هر گروه مشخص نشده است. اطلاعات تازه اقتصاددانان نشان می‌دهد اصل کاهش تعداد مشمولان همچنان در برنامه قرار دارد، اما تعداد نهایی افرادی که کنار گذاشته خواهند شد هنوز قطعی نیست. رقم مطرح‌شده در حال حاضر بین ۴۰۵ تا ۱ میلیون نفر است.

#### گزارش خوانی

#### نگرانی از جنگ

احتمال شروع دوباره جنگ را بسیاری بعید نمی‌دانند و آن را حوالی آبان‌ماه و بعد از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا می‌دانند. تابناک با جفری ساکس گفت‌وگو کرده؛ استاد دانشگاهی که دو بار نامش در بین صد رهبر برتر جهان قرار گرفته است. او می‌گوید: «حمله دوباره محتمل است، مگر اینکه یک ائتلاف بسیار قدرتمند از کشورها –ازجمله چین، هند، روسیه، پاکستان، عربستان سعودی و دیگران– همگی به ترامپ بگویند حملات آمریکا را متوقف کند. آنها باید این کار را انجام دهند». برای اکثریت مردم جنگ فقط با صدای انفجار و نگرانی درباره امنیت گره نخورده است. برای برخی سؤال اصلی این نیست که «آیا جنگ اتفاق می‌افتد؟» بلکه این است که اگر اتفاق بیفتد، ماه بعد هنوز حقوقی برای دریافت، اجاره‌ای برای پرداخت و کالایی برای خرید وجود خواهد داشت یا نه؟

اقتصادنیوز گزارشی دراین‌باره تهیه کرده است. زن ۳۰ساله مجرد و شاغل، در کنار نگرانی‌های امنیتی، نخستین دغدغه‌اش را نداشتن پس‌انداز عنوان کرد. او هم‌زمان دانشجوی روان‌شناسی دانشگاه آزاد است و می‌گوید که با افزایش شدید شهریه، که به گفته او حدود صددرصد بوده، هزینه تحصیل نیز به یکی دیگر از دغدغه‌هایش تبدیل شده. در میان شهروندان شاغل، نگرانی درباره افزایش دوباره هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید نیز پربرن است. مرد ۳۲ساله متأهل و شاغل، تورم و گرانی کالاهـا، کاهش قدرت خرید، هزینه اجاره مسکن، احتمال کمبود کالا و امنیت شغلی را از مهم‌ترین دغدغه‌های خود عنوان می‌کند. برای این گروه، جنگ می‌تواند به معنای یک شوک جدید به زندگی اقتصادی باشد؛ شوکی که در صورت افزایش قیمت‌ها یا اختلال در عرضه کالاها، مستقیماً خود را در هزینه‌های روزمره نشان می‌دهد. زن ۳۶ساله، معلم و متأهل نیز از فشار فراینده هزینه‌های زندگی می‌گوید؛ فشاری که به گفته او، حتی در خریدهای روزمره نیز خود را نشان می‌دهد. او توضیح می‌دهد ناچار است برای کوچک‌ترین هزینه‌های حساب‌وکتاب کند، از کیفیت خریدهایش بزند و حتی برخی تفریحات و فعالیت‌هایی را که پیش‌تر بخشی از زندگی روزمره‌اش بوده، حذف کند. او می‌گوید: «فعلاً تنها هدفم این است که بتوانم درآمد را به مخارج قسط و اجاره خانه برسانم». نگرانی او به امروز محدود نمی‌شود؛ مسئله اصلی این است که سال آینده چگونه باید هزینه رهن خانه را تأمین کند. خرید خانه نیز به گفته او دیگر در حد یک آرزو قرار گرفته است.

برای بخشی از مردم، ادامه وضعیت نامعلوم خود به یک فشار تبدیل شده است؛ نه می‌توانند با اطمینان برای ماه‌های آینده برنامه‌ریزی کنند و نه می‌دانند باید خود را برای چه سطحی از اختلال آماده‌ای کنند. در کنار نگرانی‌های اقتصادی، برخی شهروندان درباره نحوه مواجهه جامعه با شرایط اضطراری نیز نگرانی دارند.

یک زن ۲۹ساله متأهل و شاغل می‌گوید یکی از دغدغه‌هایش این است که با وجود تجربه قبلی، دوباره مردم غافلگیر شوند و آمادگی لازم را نداشته باشند. برای خانواده‌ها، مدرسه و دانشگاه فرزندان نیز به بخشی از همین نگرانی تبدیل شده و برای برخی شاغلان، سؤال اصلی این است که در صورت اختلال در فعالیت اقتصادی، آیا همچنان درآمدی برای پرداخت هزینه‌های ماهانه خواهند داشت یا نه. شاید وجه مشترک بسیاری از این روایت‌ها، بیش از ترس از ناتوانی در برنامه‌ریزی برای آینده باشد؛ آینده‌ای که در آن حتی تصمیم‌های معمولی مانند خرید، اجاره خانه، ادامه تحصیل، پس‌انداز یا یک تفریح ساده نیز به محاسباتی پرریسک تبدیل شده است. در چنین شرایطی، احتمال بازگشت جنگ برای بخشی از جامعه نه‌فقط به معنای نگرانی درباره جان و امنیت، بلکه به معنای این سؤال است که اگر یک شوک تازه به اقتصاد و زندگی روزمره وارد شود، خانوارها تا کجا توان تحمل آن را دارند؟

## ۴۴ میلیون نفر

## ۴۵۰ هزار دلار

اولین دوره جشنواره فیلم هوش مصنوعی در شهر آستانه قزاقستان با جایزه‌های کلان برگزار شد و فیلم «نخستین روز صادقانه» ساخته زیلتکای شستاک، فیلم‌ساز اهل کشور لتونی، جایزه بزرگ را به همراه جایزه نقدی ۴۵۰ هزار دلاری از آن خود کرد. این جشنواره هشت هزار و ۶۷۲ اثر از ۱۲۵ کشور جهان دریافت کرد که از میان آنها فقط ۲۵ فیلم به مرحله نهایی راه یافتند. فیلم «سیتارا» از هند رتبه دوم را به دست آورد و جایزه ۲۰۰ هزار دلاری دریافت کرد.

## ۶۳ درصد

آن‌طور که خبرگزاری دانشجو گزارش داده، با بررسی اطلاعات مربوط به ۳۸ رتبه برتر گروه‌های آزمایشی کنکور اسمال، مشخص می‌شود سهم مدارس غیرانتفاعی با شهریه‌های گاه بیش از ۵۰۰ میلیون تومانی فقط ۱۱ درصد است. مدارس سمپاد همچنان بیشترین سهم را در میان رتبه‌های برتر کنکور دارند و ۶۳ درصد از رتبه‌های برتر از دانش‌آموزان این مدارس هستند و البته اسمال با افت ۱۴درصدی همراه بوده ولی از بین ۱۰ رتبه برتر تجربی، ۹ نفر سمپادی هستند.